

نقش رهیافت‌های تفسیری در فهم آیات مربوط به مداوله؛ با تاکید بر آیه ۱۴۰ سوره آل عمران*

فاطمه زهرا ابراهیمی^۱ / مریم ولایتی کبابیان^۲

چکیده: آیه ۱۴۰ سوره آل عمران مشهور به آیه مداوله و هم‌چنین برخی دیگر از آیات مرتبط با آن از جمله آیه ۱۰۴ سوره نساء، به مسئله گردش ایام و سنت تحول اشاره دارند. تحلیل و ارزیابی رهیافت‌های متعدد تفسیری از جمله روایی محض، باطنی و اجتهادی ذیل آیات نام برده، نشان می‌دهد نوع رویکرد مفسر و بهره‌وری وی از داده‌های تفسیری، چگونه می‌تواند منجر به فهم‌های گوناگون و بعضاً اختلاف نظر گردد. بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت اختلاف رهیافت‌های تفسیری ذیل آیات مربوط به مداوله، که نوعاً متأثر از رویکرد مفسر و چگونگی استناد وی به داده‌های تفسیری است، منجر به اختلاف در فهم موضوعاتی هم‌چون نزول و فضای نزول، معانی واژگان، ارتباط آیه ۱۴۰ آل عمران با آیه ۱۰۴ نساء و هم‌چنین اختلاف در تفسیر اصطلاحاتی که به نوعی با دانش کلام و اعتقادات اسلامی سر و کار دارد، شده است.

کلید واژه: مداوله، گردش ایام، سنت تحول، تفسیر فریقین، روش تفسیری، رهیافت تفسیری.

* دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۸؛ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۳۰.

۱. دانشجوی دکتری الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران fz.ebrahimi14@ut.ac.ir

۲. استادیار گروه حدیث دانشگاه علوم و معارف و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث.

بیان مسئله

آیه ۱۴۰ سوره آل عمران^۱، به صراحت به سنت تداول یا گردش ایام اشاره دارد^۲. بنا به اشاره مفسران سلف، آیه ۱۰۴ سوره نساء^۳ نیز با آیه مورد بحث مرتبط است که مطابق بررسی نگارنده، عکرمه در بین صحابه و تابعین نخستین کسی است که به وجود ارتباط بین دو آیه اشاره نموده است. پژوهش فرارو با تمرکز بر مفهوم "تداول ایام" در این آیات، درصدد تحلیل تأثیر روش‌های تفسیری مختلف بر فهم و برداشت مفسران است. بدین منظور، طیف گسترده‌ای از تفاسیر از جمله تفاسیر روایی محض، باطنی و اجتهادی اهل سنت و شیعه مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهند که رویکرد تفسیری هر مفسر به طور قابل توجهی بر فهم او از این آیات تأثیرگذار بوده و تفاوت در روایات سبب نزول، فهم معانی واژگان و ارتباط بین آیات، منجر به اختلاف در تفسیر این دو آیه شده است. پژوهش حاضر با تحلیل انتقادی و تطبیقی اقوال تفسیری، به درک بهتر پیچیدگی‌های تفسیری آیات مداوله و عوامل مؤثر بر آن کمک می‌کند و نشان می‌دهد که فهم دقیق قرآن نیازمند در نظر گرفتن تنوع رویکردهای تفسیری و تحلیل عمیق عوامل مؤثر بر آن است. با توجه به تاریخی بودن آیات مشار، روایات سبب نزول نقش تعیین کننده‌ای در فهم مدلول آن‌ها دارد؛ بنابراین گام نخست، ارزیابی و تحلیل روایات سبب نزول و گام پسین، بررسی دلالت آیات است.

۱- سبب نزول آیات

۱-۱- سبب نزول در تفاسیر روایی محض

اکثر مفسران روایی محض^۴، آیه را به شکست مسلمانان در جنگ احد مرتبط دانسته‌اند.

۱. *إِنْ يَمَسُّكُمْ فَرَحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ فَرَحٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْآيَاتُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ.*

۲. برخی از مفسران هم چون ابن عربی آیه ۱۴۰ را کاملاً با آیه ۱۳۹ در هم تنیده دانسته‌اند و در مقابل به هیچ

توضیح، تفسیر یا تبیینی ذیل آیه ۱۰۴ سوره مبارکه نساء نپرداخته‌اند. (ابن عربی، ج ۱، ص ۱۵۴).

۳. *وَلَا تَتَّبِعُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا.*

۴. تفاسیر روایی محض گرچه به نظر روایت محور می‌آید اما صرفاً به نقل روایات متکی نیست، بلکه حاوی

این آیه با ترسیم تساوی رنج‌ها با کفار و بیان حکمت‌های سنت مداوله، مسلمانان را تسلی داده و انگیزه‌ای دگر بار برای مقاومت و ایستادگی به باورمندان می‌بخشد. گزارش‌های مربوط به سبب نزول این آیه در تفاسیر روایی اهل سنت به سه دسته تقسیم می‌شود: دسته نخست تنها به نزول آیه پس از جنگ احد^۱ یا به تقابل این جنگ با جنگ بدر اشاره دارد^۲، دسته دوم روایاتی^۳ است که معنای آیه را ضمن تجرید بافت تاریخی آن مطرح می‌کند و دسته سوم بیانگر فضای نزول آیه است که هر یک ترسیم‌گر موقعیتی از اوضاع مسلمانان پس از شکست است.^۴

در تفاسیر روایی شیعه نیز روایاتی مشابه وجود دارد^۵ اما با تمرکز بیشتر بر نقش امام علی علیه السلام در این رویداد که احتمالاً متأثر از موقعیت اجتماعی مفسر و مکان زندگی ایشان است. نمونه مخاطبان تفسیر حویزی امامیان حوزه مرکزی ایران هستند که در روایت او اشاره‌ای به امیرمؤمنان نشده است، در حالی که بحرانی در منطقه‌ای به تفسیر قرآن پرداخته که مواجهه بیشتری با اهل سنت دارد و این در گزینش منابع و روایات هر دو مفسر و بیان مسائل ایدئولوژیک تفسیر، نقش داشته است.^۶

گزارش‌های مربوط به سبب نزول این آیات در تفاسیر روایی اهل سنت و شیعه، هر چند در برخی مسائل مذهبی و کلامی با هم تفاوت دارند، اما در مجموع بر ارتباط این آیات با جنگ احد و زدودن اندوه مسلمانان تأکید دارند. در تفاسیر اهل سنت، تنوع روایات بیشتر و به جنبه‌های مختلفی از جمله تفسیر ادبی و استفاده از روش قرآن به قرآن پرداخته شده است. در حالی که در تفاسیر شیعه، تعداد روایات کمتر اما با تفصیل بیشتر نقل شده است.

اجتهاد و تأویل مفسر بر اساس مبانی و گرایش‌های شخصی اوست. حتی برخی روایات نیز خود به

تفسیر قرآن به قرآن می‌پردازند. سیوطی، ج ۲، ص ۷۹.

۱. ابن ابی حاتم رازی، ج ۳، ص ۷۷۴ و ۷۷۵.

۲. سیوطی، ج ۲، ص ۷۹.

۳. همان. روایات ۸ تا ۱۲.

۴. ابن ابی حاتم رازی، ج ۳، ص ۷۷۴.

۵. حویزی، ج ۱، ص ۳۹۵ و ۶۹۴ و ۶۹۵.

۶. حویزی، ج ۱، ص ۳۹۵ و ۵۴۶؛ بحرانی، ج ۱، ص ۶۹۴ و ۶۹۵.

۲-۱- سبب نزول در تفاسیر باطنی

تفاسیر باطنی در تبیین سبب نزول آیات مداوله رویکردهای مختلفی دارند. برخی روایاتی را نقل می‌کنند که گاه با بهره‌گیری از روش قرآن به قرآن^۱ و گاهی دیگر با یادکرد تساوی کشتگان و اسرا در بدر و احد با یکدیگر، سعی می‌کنند، تقابل بین این دو جنگ را به اثبات رسانند.^۲ گونه دوم روایاتی است که عمومیت این قبیل حوادث را به عنوان یک سنت الهی یادآور شده‌اند^۳ گروهی دیگر نیز با اشاره به روایاتی که بیانگر مخاطبه و رویارویی ابوسفیان با عمر است^۴ برخلاف تفاسیر روایی محض متقدم به جای پیامبر از عمر در مقابله با وی یاد می‌کنند که بالتبع اگر چنین روایتی در دسترس یا مورد وثوق ایشان بود، از نقل آن دریغ نمی‌ورزیدند.

در خصوص آیه ۱۰۴ سوره نساء نیز تفاسیر باطنی روایاتی را نقل می‌کنند که نزول این آیه را به وقایع پس از جنگ احد و خصوصا به سستی مسلمانان در تعقیب دشمن مرتبط می‌دانند. این روایات بیان می‌کنند که این آیه برای ترغیب مسلمانان به ادامه مبارزه و عدم سستی در برابر دشمن نازل شده است.

نکته قابل توجه در تفاسیر باطنی این است که روایات سبب نزول اغلب با نکات ادبی و معانی اشاری آمیخته شده که البته تفسیر تاویلی آیات در این گونه تفاسیر به دلیل تاریخی بودن آن‌ها، تلبوری محو دارد و بیشتر رنگ و بوی تفاسیر اجتهادی جامع را به خود گرفته است^۵ و گاهی نیز بدون ذکر منبع آورده می‌شود.^۶ همچنین، تفاسیر باطنی در تبیین سبب نزول، به جنبه‌های عرفانی و فلسفی آیات نیز توجه دارند و تلاش می‌کنند تا ارتباط بین رویدادهای تاریخی و حقایق معنوی را نشان دهند.

۱. حقی بروسوی، ج ۲، ص ۹۹ و ۱۰۰.

۲. میبیدی، ج ۲، ص ۲۷۷، ۲۸۸ و ۲۸۹.

۳. همان.

۴. میبیدی، ج ۲، ص ۲۸۹.

۵. این مسئله در تفسیر میبیدی و تفسیر اسماعیل حقی کاملاً هویدا است.

۶. ابن عربی، ج ۱، ص ۱۲۴؛ میبیدی، ج ۲، ص ۶۷۱.

۳-۱- سبب نزول در تفاسیر اجتهادی

تفاسیر اجتهادی قرآن به قرآن و اجتهادی روایی اهل سنت رویکردی مستقل در تفسیر آیه ۱۴۰ دارند. آن‌ها به جای استناد به روایات، تلاش می‌کنند با استفاده از خود قرآن، معنای آیه را تبیین کنند. این تفاسیر، آیات را از انحصار شان نزول رها کرده‌اند^۱ و با استناد به آیاتی مانند ۱۲۵ آل عمران و ۴۶ انفال، به بررسی دلایل الهی برای این رویدادها می‌پردازند.^۲ همچنین، این تفاسیر ارتباط میان آیه ۱۴۰ و آیه ۱۰۴ سوره نساء را کمتر مورد توجه قرار می‌دهند.^۳

تفاسیر اجتهادی شیعه رویکردی جامع‌تر به تفسیر آیه ۱۴۰ دارند. آن‌ها علاوه بر استفاده از قرآن، به روایات نیز استناد می‌کنند. برخی از این تفاسیر، آیات ۱۳۹ تا ۱۴۸ آل عمران را به طور یکپارچه تفسیر کرده و ارتباط آن‌ها را با جنگ احد و بدر بررسی می‌کنند.^۴ در مجموع تفاسیر اهل سنت بیشتر بر استفاده از قرآن تاکید دارند، در حالی که تفاسیر شیعه علاوه بر قرآن به روایات نیز استناد می‌کنند. هر دو گروه از تفاسیر، جنگ احد و بدر را به عنوان مصداق‌هایی برای این آیه معرفی می‌کنند و به دنبال تبیین حکمت‌های الهی در این رویدادها هستند. با این حال، در جزئیات تفسیر و میزان استفاده از روایات تفاوت‌هایی بین این دو گروه وجود دارد.

۲- دلالت آیات

در ادامه، به جای تمرکز بر روایات، به دلالت آیات می‌پردازیم تا به نقاط اشتراک و افتراق این رویکردها پی برده و دریابیم هر یک از چه منظری درصددند، مدلول آیه را دریابند. مضامین اصلی آیات مداوله در سه محور کلی قابل تبیین است؛ ۱- نهی از سستی و حزن

۱. طبری، ج ۴، ص ۶۹. خطیب، عبدالکریم، ج ۲، ص ۶۰۰-۶۰۱.

۲. همان.

۳. نمونه: عبدالکریم خطیب و محمد امین شنقیطی و تفسیر القرآن العظیم ابن کثیر دمشقی.. نک: شنقیطی، جلد ۱، ص ۲۰۷.

۴. قمی، ج ۱، ص ۱۵۱، ۱۲۲-۱۲۷؛ قمی مشهدی، ج ۳، ص ۲۳۰. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۶ و ج ۵، ص ۶۸ و ۶۹.

در تعقیب دشمن، ۲- تاکید بر شرایط همسان طرفین به لحاظ آسیب مادی و ۳- اشاره به سنت مداوله و حکمت‌های آن.

۱-۲- نهی از سستی و اندوه در تعقیب دشمن

در مجموع آیات مربوط به مداوله، فرازهای «وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ» (نساء/۱۰۴) و هم چنین «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران/۱۳۹) به این مطلب اشاره دارند.

۱-۲-۱- تفاسیر روایی محض

برخی از تفاسیر روایی، منظور از لاتهنوا در آیه ۱۰۴ را نشان ندادن ضعف یا کوتاهی نکردن در تعقیب دشمن^۱ دانسته‌اند و مراد از دشمن را مشرکین دانسته‌اند.^۲

۱-۲-۱-۲- تفاسیر باطنی

برخی از مفسران باطنی، معنای لغوی «لاتهنوا» در آیه ۱۰۴ سوره نساء را با استناد به شواهد قرآنی، ضعیف و درمانده نشدن، دانسته‌اند.^۳ پاره‌ای دیگر آن را به معنای تنبلی نکردن بر ادای نماز گرفته‌اند که معنایی تجریدیافته از سبب نزول است.^۴ برخی دیگر بدون استناد به روایتی در تفسیر این دو آیه، ضمن مرتبط دانستن آیات ۱۳۹ و ۱۴۰ سوره آل عمران با یکدیگر، «لاتهنوا» را به معنای سست نشدن «ولاتحزنوا» را به معنای اندوهگین نشدن دانسته و درباره «انتم الاعلون» معتقدند، برتری مومنان به جهت نزدیکی به خداوند، علو درجات ایشان و سرشت الهی آن‌هاست و منظور از مومنان را موحدین دانسته‌اند.^۵ گرایش‌های عرفانی مفسر را از این‌گونه عبارات که بیانگر وحدت وجود و ذات خداوند است تا اندازه‌ای می‌توان دریافت. برخی دیگر از مفسران باطنی، هم به معانی ظاهری یادشده

۱. ابن ابی حاتم رازی، ج ۴، ص ۱۰۵۸.

۲. همان.

۳. حقی بروسوی، ج ۲، ص ۱۰۰.

۴. گنابادی، ج ۲، ص ۴۸.

۵. ابن عربی، ج ۱، ص ۱۲۴.

اشاره نموده و هم با تعبیر (والإشارة) به تبیین اشاری آن پرداخته‌اند؛ نمونه منظور از «وَلَا تَهْتُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ» را کوتاهی نمودن در طلب نفس و مجاهده با آن دانسته‌اند.^۱ برخی از مفسران باطنی در تفسیر «فی ابتغاء القوم» گفته‌اند: به تعقیب دشمن بروید تا این‌که یا آن‌ها را بکشید و اسیرشان کنید یا این‌که تسلیم شما بشوند.^۲

۱-۲-۳- تفاسیر اجتهادی

برخی از تفاسیر اجتهادی قرآن به قرآن اهل سنت، آیات یادشده را بدون ارجاع به منبعی خاص، مربوط به زمانی می‌دانند که مؤمنان پیوسته در میدان نبرد می‌جنگیدند و نیازمند ترغیب الهی بودند، تا لحظه‌ای درنگ و عقب‌نشینی نکنند. هم‌چنین معنای «وَلَا تَهْتُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ» نشان ندادن هیچ‌گونه ضعف و عدم سستی در طلب دشمن دانسته شده است.^۳ برخی دیگر از تفاسیر اجتهادی شیعه فراه‌های «إِنْ يَمْسَسْكُمْ»، «تَلْكَ الْأَيَّامِ» و «انتم الأعلون» را تفسیری برای «وَلَا تَهْتُوا وَلَا تَحْزَنُوا» دانسته‌اند که «انتم الأعلون» با نفی متمدن و دست‌بالا انگاشتن کفار، خیال باطل مسلمانان در مورد ایشان را تخطئه می‌کند و دو فراز دیگر نیز با اشاره به سنت پایدار الهی که در طول ایام و قرون در میان بشر جاری بوده، باور آنان را به چالش می‌کشانند.^۴ یادکرد اسلوب تعلیل نمود یکی از وجوه رویکرد ادبی در همین تفسیر است. مفسر هم‌چنین در تبیین آیه ۱۰۴، واژگان «وهن» و «ابتغاء» را به معنای ضعف و طلب دانسته^۵ که بیانگر گرایش ادبی تفسیر او است.

برخی از تفاسیر اجتهادی روایی اهل سنت ذیل آیه ۱۰۴، به معانی لفظی واژگان از جمله ضعیف نشدن برای «وهن»، درد و رنج برای «ألم»، امید و ترس برای «رجاء» و... اشاره نموده

۱. حقی بروسوی، ج ۲، ص ۲۷۸.

۲. گنابادی، ج ۱، ص ۳۰۲.

۳. خطیب عبدالکریم، ج ۳، ص ۸۸۶.

۴. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۸. علامه ضمن بیان تعلیل اول، از قسمتی از آیه ۴۷ سوره مبارکه روم نیز در تفسیر آیه، بهره می‌گیرد.

۵. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۶۳.

۶. طبری، ج ۵، ص ۱۶۹.

و منظور از «قوم» را مشرکین دانسته‌اند و دردمند بودن دشمن را عامل برانگیزاننده مومنان بر ادامه پیکار معرفی کرده‌اند.^۱ مفسران شیعه نیز مراد از «لاتهنوا» را ضعیف نشدن و «قوم» را کافران دانسته‌اند.^۲

۲-۲-۲- تاکید بر شرایط همسان طرفین به لحاظ آسیب مادی

پیشتر اشاره شد که یکی از دلایل اصلی از دست رفتن انگیزه مسلمانان و غلبه ضعف بر آن‌ها، تعداد زیاد کشته‌شدگان و جراحت‌هایی بود که بر ایشان وارد شد؛ لذا خداوند با تاکید بر همسانی شرایط متقابل برای دو طرف درگیر، تسلی بخش دل‌های مومنان است تا به این وسیله موقعیت خود را عادی قلمداد نموده و اجازه ندهند یأس بر ایشان چیره شود و در نتیجه ثابت قدم بمانند.

۲-۲-۲-۱- تفاسیر روایی محض

مفسران روایی، با استناد به روایات تفسیری، «یمسسکم» را «یصبکم» دانسته^۳ و واژه «قرح» را هم به معنای جراحت و هم به معنای کشته شدن دانسته‌اند^۴ و «مثله» را که بیانگر همسانی قرح است، به «تعداد» کشتگان و نه موارد دیگر هم چون زمان جنگ و... تطبیق داده‌اند.^۵

۲-۲-۲-۲- تفاسیر باطنی

تفاسیر باطنی در تفسیر آیه ۱۴۰ سوره آل عمران رویکردی متمایز دارند. آن‌ها به جای تفسیر ظاهری، به دنبال معانی عرفانی و رمزی آیات هستند. **تیین واژگان:** مفسران باطنی به تفسیر دقیق واژگان می‌پردازند. برای مثال، واژه «قرح» را به معنای «خلوص» و در راستای پیوند با ریشه «دردی که مخصوص صاحب آن است» تفسیر

۱. طبری، ج ۵، ص ۱۶۸.

۲. قمی مشهدی، ج ۳، ص ۵۳۱.

۳. سیوطی، ج ۲، ص ۷۹.

۴. ابن ابی حاتم رازی، ج ۳، ص ۷۷۲؛ سیوطی، ج ۲، ص ۷۹.

۵. سیوطی، ج ۲، ص ۷۹.

می‌کنند.^۱ و به همین ترتیب معانی سایر واژگان و قرائت آن‌ها را بررسی‌ده‌اند که بیانگر وجهه ادبی این‌گونه تفاسیر است.^۲

تفسیر مفاهیم: مفسران باطنی، مفاهیم آیه را فراتر از معنای ظاهری آن می‌بینند. آن‌ها به ارتباط بین آیات مختلف قرآن^۳ و همچنین به نکات عرفانی و فلسفی موجود در آیات توجه می‌کنند. برای مثال، آن‌ها آیه ۱۴۰ را با آیه ۱۰۴ سوره نساء مرتبط می‌دانند و معنای "قرح مثله" را فراتر از آزمون الهی برای مؤمنان به مفاهیمی همچون جهاد با نفس، امید به آخرت و تفاوت بین امیدهای مؤمنان و کافران تفسیر می‌کنند. بر خلاف گنابادی مفسر عرفانی شیعی، حقی بروسوی، به تبیین باطنی آیه اشاره نیز نموده و مراد از «إِنَّ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ» را خستگی ناشی از جهاد با نفس به واسطه انواع عبادت، بندگی، ریاضت، مجاهدت، مداومت بر ذکر و مراقبت از نفس در راستای وصول به مقامات عالیه می‌داند که در مقابل، نفوس بشر نیز در طلب شهوات دنیوی و خواهش‌های نفسانی درد می‌کشد و دچار خستگی می‌گردد. همو عبارت «تَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ» را نیز امید داشتن مومنان به معارف ازلی و ابدی خداوند می‌انگارد که از سوی دیگر، نفس سرکش کافران، به دلیل کوتاهی و قصور و این‌که تمام هم و غمش در دایره خواسته‌ها و امیال مادی است، امیدش از حد مقاصد دنیوی فراتر نمی‌رود.^۴ مفسران باطنی شیعه نیز با اشاره به استیناف و تعلیلی بودن فراز «إِنَّ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ»، تاکید دارند که عبارت مذکور علتی است برای نهی مومنان از سستی (در تعقیب دشمن) و ترغیب آنان به این‌که در میدان نبرد شهادت و ایستادگی به خرج دهند. چراکه ناکامی‌ها و مصیبات وارده بر درد دشمن نیفزوده است؛ در حالی که شما به جهت امید به کسب پاداش مجاهد بایستی همواره مقاوم و پایدارتر از آنان باشید.^۵

۱. مبینی، ج ۲، ص ۲۸۸؛ گنابادی، ج ۱، ص ۳۰۲.

۲. نمونه: حقی بروسوی، ج ۲، ص ۹۹.

۳. همان، ص ۱۰۰.

۴. قس: حقی بروسوی، ج ۲، ص ۲۷۸؛ گنابادی، ج ۱، ص ۳۰۲ و ج ۲، ص ۲۷۷.

۵. گنابادی، ج ۲، ص ۴۸.

به طور کلی، تفاسیر باطنی در تفسیر آیه ۱۴۰ سوره آل عمران به دنبال کشف معانی عمیق‌تر و رمزی هستند. آن‌ها با استفاده از روش‌های مختلفی مانند تفسیر واژگان، بررسی ارتباط بین آیات و توجه به نکات عرفانی و فلسفی، به تبیین مفاهیم این آیه می‌پردازند.

۲-۲-۳- تفاسیر اجتهادی

تفاسیر اجتهادی قرآن به قرآن اهل سنت، در تفسیر آیه ۱۴۰ سوره آل عمران، بیشتر به معنای ظاهری آیات و ارتباط آن‌ها با سایر آیات قرآن توجه می‌کنند.^۱ آنان در تفسیر «إِن تَكُونُوا تَأْلَمُونَ...» با تعبیرهایی چون «وَرِضْوَانٍ وَجَنَاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ»^۲، و اشاره به یکی از دو نیکویی (إحدى الحسنین) برای مجاهدان (پیروزی یا شهادت) که برگرفته از دیگر آیات است، معتقدند، فرمان جهاد بسیار سنگین است؛ اما مومنان بیش و به از کافران، فرمان جهاد را برمی‌تابند چرا که در نهایت از رحمت الهی بهره‌مند می‌گردند؛ اگر پیروزی در تقدیرشان باشد، به سلامت و همراه با غنایم جنگی به وطن باز می‌گردند و اگر تقدیرشان شهادت باشد، بازهم پیروزی از آن آنهاست.^۳

ایشان عمدتاً بدون استناد به روایات، به تفسیر واژگان و مفاهیم آیه می‌پردازند.^۴ این تفاسیر، بر اهمیت استقامت و شکیبایی مؤمنان در برابر مشکلات و مصائب تأکید دارند^۵ و پیروزی و شکست را بخشی از سنت الهی می‌دانند. همچنین در این تفاسیر از کاربرد جدل و طرح سوال جهت تبیین برخی مفاهیم و دفع شبهات احتمالی استفاده شده است.^۶

تفاسیر اجتهادی شیعه، در کنار معنای ظاهری، به تفسیر ادبی که بیانگر توجه ایشان

۱. شنقیطی، جلد ۱، ص ۲۰۷.

۲. توبه ۲۱: يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُم بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ.

۳. توبه ۵۲: قُلْ هَلْ تَرْتَضُونَ بِنَا إِلَىٰ أَحَدِي الْحُسَيْنَيْنِ وَتَحْنُ تَتَرْتَضُونَ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ يَأْتِيَنَا فَنَرْتَضُوا إِيَّاكُمْ مُمْتَرِضُونَ.

۴. خطیب عبدالکریم، ج ۳، ص ۸۸۷.

۵. خطیب عبدالکریم، ج ۲، ص ۶۰۲.

۶. خطیب عبدالکریم، ج ۳، ص ۸۸۷.

به اسلوب بلاغی است^۱ نیز توجه دارند. این تفاسیر، عبارت «إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ» را با توجه به فراز پایانی آیه پیش از آن یعنی (وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)، تفسیر کرده و معتقدند عبارت (وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ)، در مقام تعلیل واقع شده و شاهدهی است بر اینکه سستی و حزن در اصل محقق شده و فرضی و مبادایی نیست. علت آن نیز مشاهده مجروحان و احساس غلبه کفار بر مسلمانان است. ایشان پیام آیه را مفید به حال سه طایفه می‌دانند؛ تشویق مومنین حقیقی، اندرز به مومنین سست ایمان و عتاب منافقان و بیمار دلان و مشروط کردن علو مسلمانان به ایمان را از آن رو می‌دانند که به مقتضای ایمانشان که همانا بهره‌گیری از صبر و تقوا بود، عمل نکردند^۲ همچنین، به تفسیر تاریخی آیه و ارتباط آن با جنگ احد و بدر نیز می‌پردازند.

هر دو رویکرد اجتهادی اهل سنت و شیعه، به تفسیر آیه ۱۴۰ سوره آل عمران می‌پردازند، اما رویکرد آن‌ها متفاوت است. تفاسیر اهل سنت بیشتر بر معنای ظاهری و ارتباط آیات با یکدیگر تأکید دارند، در حالی که صبغه ادبی تفاسیر شیعه ذیل این آیات نسبتاً برجسته‌تر است و به تفسیر تاریخی آیه نیز می‌پردازند. با این حال، هر دو رویکرد بر اهمیت این آیه در تبیین حکمت‌های مداوله تأکید دارند.^۳

سال بیست و یکم، شماره ۸۳، تابستان ۱۳۹۲

۲-۳- اشاره به سنت مداوله و بیان حکمت‌های آن

در میان آیات موجود، فراز «وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ» به طور خاص به سنت مداوله اشاره دارد و فرازهای دیگری هم چون «وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ» و هم چنین «وَيَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ»، به حکمت‌های آن اشاره می‌کند.

۱-۲-۳- تفاسیر روایی محض

مفسران روایی اهل سنت در خصوص تبیین مداوله ایام، به مفهوم "روزی له انسان و روزی

۱. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۸ و ۲۷ و ج ۵، ص ۶۳.

۲. طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۴۰.

۳. نمونه: طباطبایی، همان، خطیب عبدالکریم، همان؛ طبری، ج ۴، ص ۶۷-۶۸. ابن کثیر، ج ۲، ص ۱۱۰.

قمی مشهدی، ج ۳، ص ۲۳۰.

علیه او" استناد کرده و با ذکر روایتی از امام باقر علیه السلام، به پیشینه تاریخی تحقق این سنت به عنوان یک مصداق، توجه نموده‌اند.^۱ در خصوص «الناس» نیز دو قول مطرح شده است؛ ۱- فرمانروایان و ۲- مردم. برای تبیین حکمت شکست مومنان در غزوه احد دو واژه نیازمند توضیح است؛ یکی «علم» خدا و دیگری «شهادت». برخی منظور از علم خدا را تمییز بین مومن و منافق و برخی دیگر تمییز بین معصیت کننده و دروغگو دانسته‌اند و به پندگیری و عبرت آموزی انسان اشاره کرده‌اند.^۲ منظور از «شهادت» را نیز مجاهدت در راه خدا (شهادت اصطلاحی) دانسته‌اند^۳ که به نوعی استعجابت دعای مومنان برای رسیدن به این درجه است.^۴ مصادیق آن نیز شهدای احد معرفی شده است.^۵ البته برخی «شهادت» سبیل الله را اهل طاعت الهی دانسته‌اند.^۶ مفسران روایی غیر از کسب مقام شهادت، به سایر حکمت‌های مداوله از جمله جنت، رزق و حیات حقیقی نیز اشاره داشته‌اند.^۷

۲-۲-۳- تفاسیر باطنی

مفسران باطنی عبارت «وتلک الایام» را از مورد نزول آن یعنی جنگ بدر و احد، تجرید کرده و آن را اشاره‌ای به حوادث و رخدادهای بزرگ جاری میان جوامع بشری می‌دانند که مختص روزهای ظفر و پیروزی است^۸ که گاهی نیز «یوم» نامیده می‌شوند. برای تأیید این

۱. سیوطی، ج ۲، ص ۷۹. این روایت از امام باقر علیه السلام تنها روایت معصوم در سرتاسر تفاسیر روایی اهل سنت ذیل آیات مداوله است.

۲. همان؛ روایتی از انس تقریباً همسان همین الفاظ در کتاب تفسیر القرآن العظیم روایت شماره ۴۲۳۴ نیز نقل شده است.

۳. ابن ابی حاتم رازی، ج ۳، ص ۷۷۳؛ سیوطی نیز مشابه همین روایت را با تفاوتی اندک ذکر کرده است. ابن ابی حاتم درجایی دیگر به شهادت اشاره نموده اما قرینه‌ای ذکر نکرده تا معلوم شود دقیقاً منظور از شهادت چیست؛ ابن ابی حاتم رازی، ج ۳، ص ۷۷۳.

۴. سیوطی، ج ۲، ص ۷۹.

۵. ابن ابی حاتم رازی، ج ۳، ص ۷۷۳ و ۷۷۴؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۷۹.

۶. همان.

۷. همان.

۸. حقی بروسوی، ج ۲، ص ۱۰۰؛ تفاسیر باطنی شیعه نیز به ویژگی پیروزی، نعمت و شادی برای واژه «ایام» اشاره کرده‌اند؛ گنابادی، ج ۱، ص ۳۰۲.

تفسیر، به آیات دیگر قرآن و اشعار عربی استناد می‌کنند.^۱ برخی از مفسران باطنی مراد از علم را، دیدار دانسته (لیعلم ای لیری) و برای ادعای خود شواهد روایی و قرآنی اقامه می‌کنند.^۲ برخی دیگر مراد از علم الهی را، علم تفصیلی او که تابع وقوع معلوم است، دانسته‌اند.^۳ احتمالاً این مطلب اشاره دارد به این‌که علم خدا همان فعل خداست^۴ و برخی دیگر متعلق «علم» را احوال مومنان دانسته‌اند؛ به عبارتی یکی از حکمت‌های مداوله، علم خداوند به احوال مومنان است^۵ و بر این مسئله تأکید می‌شود که علم یادشده به دلیل اطلاق «سبب علی المسبب» مجاز است، هر چند این احتمال نیز وجود دارد که حقیقت باشد؛ در این صورت علم الهی، میزان جزای خلق پس از به فعلیت درآمدن و مستحق شدن جزا است.^۶ به ادعای برخی دیگر مقصود از «علم» آشکار شدن علم خداوند به احوال کسانی است که حقیقتاً اسلام آورده‌اند.^۷ مفسران باطنی، عبارت "ویتخذمنکم شهداء" را به معنای گواهان و کسانی که به حق شهادت می‌دهند تفسیر کرده و این معنا را بر شهید اصطلاحی ترجیح داده‌اند.^۸ برخی دیگر منظور از شهدا را افرادی می‌دانند که ثواب الهی را مشاهده کرده، از نفس خود دست شسته‌اند.^۹ عده‌ای دیگر، شهدا را افرادی می‌دانند که برای اثبات حق از جان خود می‌گذرند و مصداق آن را کشته شدگان جنگ احد پنداشته‌اند.^{۱۰} «خلط میان مفهوم و مصداق» و برخی آن‌ها را اولیا و اوصیای الهی می‌دانند^{۱۱} و در مجموع حکمت مداوله و

۱. گنابادی، ج ۱، ص ۳۰۲. حقی بروسوی، ج ۲، ص ۱۰۰.

۲. میبیدی، ج ۲، ص ۲۹۰ و ۲۸۹.

۳. ابن عربی، ج ۱، ص ۱۲۴.

۴. میبیدی، ج ۲، ص ۲۹۰.

۵. حقی بروسوی، ج ۲، ص ۱۰۰.

۶. همان.

۷. گنابادی، ج ۱، ص ۳۰۲.

۸. میبیدی، ج ۲، ص ۲۹۰ و ۲۸۹.

۹. ابن عربی، ج ۱، ص ۱۲۴.

۱۰. حقی بروسوی، ج ۲، ص ۱۰۰.

۱۱. گنابادی، ج ۱، ص ۳۰۲.

مغلوب شدن مسلمانان در جنگ احد را دولت دادن کافران از جانب ایزدی ندانسته‌اند؛ چرا که کافر شایستگی برتری ندارد؛ بلکه آن را در پیوند با مواردی دیگر بیان داشته‌اند؛ از جمله ۱- اجابت دعای مؤمنان ۲- ابتلای هر دو گروه مومن و کافر به محنت جهت برقراری تعادل و توازن. ۳-۴- هلاکت تدریجی کافران و آزمونی برای اهل ایمان ۳ و در نهایت ۴- تعلیم ثبات قدم به باورمندان. ۴ به حکمت‌هایی دیگر نیز برای سنت مداوله، از سوی این دسته از مفسران اشاره شده است که با توجه به تعابیر به کار برده در آن نظیر عباراتی چون {قوه یقین، قله المبالاة بالنفس، استیلاء القلب، تخلص المومنین و...} می‌توان آن‌ها را نمودهایی از تفسیر عرفانی دانست.^۵ هم‌چنین عبارت «وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ» نیز امید به ثواب و نصرت الهی و «مالایرجون»، اولی بودن مؤمنان به صبر در مصیبت‌ها تبیین شده است.^۶

۳-۲-۳- تفاسیر اجتهادی

تفاسیر اجتهادی اهل سنت، مداوله را به عنوان بخشی از حکمت الهی در تغییر اوضاع و احوال بشر می‌دانند. آن‌ها معتقدند این سنت برای ایجاد انگیزه در مردم و همچنین جهت آزمودن ایمان مؤمنان است. اگر اوضاع مردم پیوسته ثابت بود و هیچ تحولی برای رسیدن به بهترین حال میسر نبود، امید در دل‌های همگان رخت می‌بست و آتش جنگ در برابر دشمن برای مبارزه و مقاومت به سردی می‌گرایید.^۷ همچنین، آن‌ها به اهمیت علم خداوند بر ایمان مؤمنان و نقش شهادت در این فرآیند اشاره می‌کنند. مفسران اهل سنت، با استناد به آیات دیگر، به تفسیر مفاهیم کلیدی مانند "علم الله" و "شهدا" می‌پردازند.^۸

۱. مبینی، ج ۲، ص ۲۹۰ و ۲۸۹.

۲. حقی بروسوی، ج ۲، ص ۱۰۰؛ گنابادی، ج ۱، ص ۳۰۲.

۳. حقی بروسوی، ج ۲، ص ۱۰۰.

۴. حقی بروسوی، ج ۲، ص ۲۷۸.

۵. ابن عربی، ج ۱، ص ۱۲۴.

۶. حقی بروسوی، ج ۲، ص ۲۷۷؛ گنابادی، ج ۲، ص ۴۸.

۷. خطیب عبدالکریم، ج ۲، ص ۶۰۳.

۸. خطیب عبدالکریم، ج ۲، ص ۶۰۳؛ شنقیطی، ج ۱، ص ۳۰۶.

تفاسیر اجتهادی شیعه، رویکردی عمیق‌تر به تفسیر سنت مداوله دارند. آن‌ها با استفاده از روش‌های فلسفی و روایی، به تبیین مفاهیم کلیدی مانند "یوم"، "نداولها" و "علم الله" می‌پردازند. مفسران شیعه، بر اهمیت علم خداوند در ایجاد و تغییر اوضاع و احوال تأکید دارند و معتقدند هدف از این سنت، آشکار ساختن ایمان واقعی مؤمنان است. همچنین، آن‌ها به تفسیر واژه "شهید" و ارتباط آن با امامان معصوم می‌پردازند.^۱

تفاسیر اجتهادی روایی اهل سنت بیشتر بر جنبه‌های فراگیر و حکمت‌های این سنت تأکید دارند، در حالی که تفاسیر شیعه با استفاده از روش‌های فلسفی و روایی، به تفسیر دقیق‌تر مفاهیم و ارتباط آن‌ها با سایر آیات قرآن می‌پردازند. هر دو رویکرد بر اهمیت ایمان و عمل صالح در زندگی مؤمنان تأکید دارند و سنت مداوله را به عنوان آزمون برای ایمان آن‌ها می‌دانند.^۲

نتیجه‌گیری

اختلاف در تفسیر آیات مداوله به دلایل مختلفی از جمله اختلاف در رویکرد تفسیری، استناد به منابع مختلف (روایات، قرآن، اجتهاد)، و تفاوت در فهم مفاهیم کلیدی مانند "علم خدا" و "شهید" بازمی‌گردد. همچنین، تفاوت در تأکید بر جنبه‌های تاریخی، ادبی، یا عرفانی آیات نیز در این اختلاف نقش داشته است. نتیجه بررسی تفاسیر مختلف نشان می‌دهد که هر مفسر با توجه به روش خود به تفسیر آیات مداوله پرداخته است. این تنوع در تفسیر، منجر به اختلاف در فهم مفاهیم مختلفی همچون سبب نزول، معانی واژگان، ارتباط بین آیات، و تفسیر اصطلاحات اعتقادی شده است. با این حال، همه تفاسیر بر اهمیت این آیات در تبیین حکمت‌های الهی و تسلی مؤمنان پس از شکست در جنگ احد تأکید دارند.

۱. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۹۸، ج ۴، ص ۲۸-۳۱، ج ۵، ص ۶۳. در منابع اهل سنت روایاتی مبنی بر اینکه رسول خدا شاهد بر اهل بیت و اهل بیت شاهد بر مردم هستند، نقل شده است؛ برای اطلاعات بیشتر نک: شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۱۹. فرائد السمطين، ج ۱، ص ۳۱۲، ۳۱۸ و در منابع شیعه نیز برای این روایات بنگرید: کمال الدین، ص ۲۷۴ و ۲۷۹، باب ۲۴ و کتاب سلیم بن قیس، ص ۶۹ به بعد.

۲. طبری، ج ۴، ص ۶۸-۶۹ ابن کثیر، ج ۲، ص ۱۱۰، ۳۵۷. قمی مشهدی، ج ۳، ص ۲۳۰-۲۳۱ و ۵۳۱.

قضاوت در مورد گرایش یا روش یک مفسر، لزوماً به این معنا نیست که در تمامی آیات قرآن، آن روش یا گرایش کارآمد بوده و در تفسیر جملگی آیات به کار گرفته شده باشد؛ نمونه روش تفسیری به کار رفته در تفاسیر عبدالکریم خطیب، گنابادی، میبیدی، ابن عربی و اسماعیل حقی با آنچه در کل کتاب جریان دارد، کاملاً متفاوت است. توضیحات گنابادی محدود به تفسیر لفظی و معانی ظاهری، تفسیر ابن عربی، بسیار موجز و حداقلی، میبیدی بیشتر از روش اجتهادی جامع و البته اشاره‌وار و فاقد تبیین عرفانی خاص است، بهره‌گیری از صنایع ادبی در تفسیر اسماعیل حقی نیز بیشتر بیانگر گرایش ادبی در مقابل، گرایش عرفانی ایشان است. تفاسیر روایی محض و نیز تفاسیر اجتهادی روایی نیز بیش از اهتمام به روایت، به جنبه ادبی آیات و تفسیر حداقلی توجه نموده‌اند.

در مجموع، صرف نظر از نقاط اشتراک تفاسیر یادشده، می‌توان گفت، اختلاف رهیافت‌های تفسیری ذیل آیات مربوط به مداوله، که نوعاً متأثر از نوع استناد مفسر به داده‌های تفسیری است، منجر به اختلاف در فهم چندین عنوان به شرح زیر شده است؛ ۱- اختلاف در سبب، شان و فضای نزول آیه، ۲- اختلاف در معانی واژگان، ۳- اختلاف در پیوند آیه ۱۴۰ آل عمران با آیه ۱۰۴ نساء و هم‌چنین ۴- اختلاف در تفسیر اصطلاحاتی که به نوعی با دانش کلام و اعتقادات اسلامی سروکار دارد.

توضیح مورد نخست آن که در تفاسیر روایی محض، چه از اهل سنت و چه شیعه، به دلیل هیمنه نقل، شاهد کاربست بیشترین گونه‌های روایی در خصوص سبب نزول آیات هستیم (شیعه: برجسته‌کردن نام امام علی علیه السلام، سنی: عمر) و تعدادی دیگر آیات را از سبب نزول آن تجرید نموده‌اند. جالب آن که تفاسیر باطنی نیز در این خصوص راه تفاسیر روایی را پیموده و بیش از آن که با جنبه عرفانی به این‌گونه آیات بنگرند، با استناد به روایات تاریخی، گونه‌های متعددی از سبب نزول را برای آن یادآور شده‌اند (روایی: مخاطبه پیامبر صلی الله علیه و آله با ابوسفیان، عرفانی: عمر با ابوسفیان). تفاسیر اجتهادی نیز احتمالاً به دلیل رویکرد عامی که به تفسیر آیات دارند، عمدتاً به سبب نزول آیات هیچ اشاره‌ای ننموده‌اند. برای ایضاح مورد دوم چگونگی تبیین معانی واژگان «لاتهنوا»، «مومن»، «تألمون» و «قرح»

توسط مفسران از نظر گذشت. تقریباً تمامی تفاسیر، الفاظ یادشده را بر معانی لغوی آن حمل کرده‌اند، در حالی که تفاسیر باطنی اهل سنت، در عین التزام به حجیت معانی ظاهری این واژگان، به ذکر بواطن آیات نیز اهتمام داشته‌اند؛ که معنایی تجرید یافته از سبب نزول آیه و بیانگر گرایشات عرفانی ایشان است، در حالی که تفاسیر اجتهادی افزون بر این معنا، یک معنای کنایی نیز برای آن در نظر گرفته‌اند که کنایه از آسیب‌های وارد بر مسلمین در جنگ احد است.

در تبیین مورد سوم باید گفت مفسر روایی محض، عموماً با استناد به روایت، ارتباط آیه ۱۴۰ آل عمران با ۱۰۴ نساء را اثبات نموده است؛ ولی مفسر اجتهادی یا اشاره‌ای به این ارتباط نداشته و در مقابل، به آیتی جایگزین اشاره می‌کند (ارتباط آیات ۱۳۹ و ۱۴۰ آل عمران با آیه ۳۵ سوره محمد به دلیل عینیت عبارات «لا تهنوا» و «وانتم الاعلون») و یا بدون استناد به منبعی مشخص، آن دو را با یکدیگر مرتبط دانسته است. این در حالی است که تفاسیر باطنی عمدتاً به شیوه قرآن به قرآن و نشان دادن تناظر موضوعی دو آیه، سعی دارند نزول آن‌ها را مربوط به جنگ احد برشمارند. توضیح مورد چهارم آن که چگونگی رویکرد مفسر، تاثیری تام بر فهم واژگانی دارد که به نوعی مرتبط با اصول اعتقادی است. برای تبیین این مسئله دو موضوع «علم خدا» و «شهادت» قابل ملاحظه است. مفسر روایی عموماً به چگونگی علم خدا به پدیده‌ها توجهی نشان نداده و صرفاً به متعلق علم اشاره می‌کند، در حالی که تفاسیر باطنی و اجتهادی، در تبیین کیفیت این علم کوشیده و آن را طوری معنا کرده‌اند که منتهی به جهل برای خداوند نشود. معنای «شهادت» را نیز عموم مفسران بر شهادت اصطلاحی حمل کرده‌اند؛ به استثنای دو مفسر باطنی (مبیدی و گنابادی) و یک مفسر اجتهادی (علامه طباطبایی) که مراد از آن را گواهان بر اعمال دانسته و البته به نظر می‌رسد همین معنا صحیح‌تر باشد؛ زیرا کاربرد فعل «اخذ» با «شهادت» برای شهادت اصطلاحی در عرب جاهلی و ادبیات زمان نزول محل تأمل است.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹)، **تفسیر القرآن العظیم**، تحقیق: اسعد محمد الطیب، عربستان سعودی: مکتبه نزارمصطفی الباز.
- ابن عربی، محی‌الدین محمد (۱۴۲۲)، **رحمة من الرحمن**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹)، **تفسیر القرآن العظیم**، تحقیق: محمد حسین شمس‌الدین، بیروت: انتشارات دارالکتب العلمیه؛ منشورات محمد علی بیضون.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶)، **البرهان فی تفسیر القرآن**، تهران: بنیادبعثت.
- حقی بروسوی، اسماعیل (بی تا)، **روح البیان**، بیروت: دارالفکر.
- خطیب عبدالکریم (بی تا)، **تفسیر القرآن للقرآن**، بی جا: بی نا.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴)، **الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور**، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شنقیطی، محمد امین بن محمد المختار (۱۴۲۶)، **اضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن**، ریاض: دارالفضیلة.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲)، **جامع البیان فی تاویل آی القرآن**، بیروت: دارالمعرفه.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵)، **نور الثقلین**، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷)، **تفسیر القمی**، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، قم: انتشارات دارالکتاب.
- مشهدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸)، **کنز الدقائق و بحر الغرائب**، تحقیق: حسین درگاهی، تهران: انتشارات سازمان چاپ و انتشارات وزارت اسلامی.
- میبدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱)، **کشف الاسرار و عهد الأبرار**، تحقیق: علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات امیرکبیر.